



یادداشت

نوروز فرخنده خوش آمد!

صادق کار



در روز پنج شنبه آخر سال بسیاری از خانواده های ستم کشیده و عزادار جان باختگان جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی به همراه عده‌ای از مردم شهرهای شان بدون توجه به تهدیدات قاتلان عزیزان خود با عبور از همه موانع و محدودیت های که رژیم سر راهشان قرار داده بود در شهرهای مختلف بر سر مزار عزیزانشان حضور پیدا کردند تا یاد شان را گرمی بدارند و بر مزارشان گل بکارند و اعتراض و انزجار خود از جنایتکاران حاکم و قاتلان عزیزشان را فریاد کنند.

سقز، خرم آباد، مهاباد، تهران، رشت، اراک، تبریز، کامیاران، سنندج، دهگلان، دیواندره، از جمله شهرهایی هستند که در آنها مراسم تجلیل از جان باختگان برگزار و مراسمها به تظاهرات ضد حکومتی تبدیل شدند.

مراسم و تظاهرات مردم با وجود فضای امنیتی سنگینتر از بقیه شهرهای در کردستان و در شهر زادگاه ژینا و خاستگاه جنبش سقز وسیعتر از سایر شهرها برگزار شد.

حضور علاوه بر گرمی داشت جانباختگان و همبستگی با خانواده های آنان، اعتراضی و حامل پیامی مبنی بر آمادگی برای تداوم جنبش تا به آخر.

خبرهای رسیده از زندانها نیز حاکی از وضعیت و حال و هوایی است که در مراسم های گرمی داشت دیده شد. روحیه‌ای که سپیده قلیان به محض آزادی از زندان با خطاب قرار دادن علی خامنه‌ای رهبر رژیم و فرمانده اصلی جنایتکاران آن را بازتاب داد.

در روز جمعه رژیم در یک اقدام جنایتکارانه و انتقامجویانه دیگر و بدنبال حضور گسترده مردم در شهرهای کردستان بر سر مزار جانباختگان جنبش زن، زندگی، آزادی، محی الدین ابراهیمی یکی از زندانیان کرد در زندان ارومیه را اعدام کرد. بعضی خبرها نیز حاکی از تصمیم رژیم به اعدام عده دیگری از زندانیان دارد.

اعدام محی الدین ابراهیم در آستانه عید بار دیگر اهمیت انجام اقدامات عاجل برای آزادی زندانیان سیاسی و اعدام های تبهکارانه را برجسته کرد.

سال سخت و پر فراز و نشیب ۱۴۰۱ روزهای آخرش را می گذراند و تا چند روز دیگر سال نو فرا می رسد. سال ۱۴۰۱ به راستی از لحاظ مختلف یک سال کم مانند در میان همه سالهای بعد از انقلاب بهمن است.



گسترش بی سابقه فقر، بی عدالتی، شکاف طبقاتی، فساد و غارت، سرکوب و اعدام و شکنجه، جنایت و سرریز شدن زندانها از آزدگان و عدالت خواهان و حملات تروریستی شیمیایی، در یک کلام سال رکود شکنی پلیدی ها در نظام فقاقتی بود

سال ۱۴۰۱ همچنین سال گسترش تعرض رژیم به حقوق کارگران و برنامه ریزی برای محو ته مانده قوانین حمایتی بود. هدف رژیم از نشان دادن صولت مرتضوی که یک بازاری فاسد و بد سابقه ضد کارگر است بر مسند وزارت کار بخاطر تسریع این کار بود که او تا حدود زیادی در این ماموریت توفیق حاصل کرده است و اگر وجود اعتراضات نبود به جرات می توان گفت کلکته مانده قانون کار را تا کنون کنده بود

اما آنچه سال ۱۴۰۱ را از بقیه سالها متمایز می کند، هیچکدام از مسائل مورد اشاره نیستند، چرا که همه اینها دهها سال است که بصورت مزمز درآمده و سال به سال هم بدتر و بیشتر شدهاند

ویژگی سال رو به پایان که آن را از سالهای پیشتر مستثنی می کند برآمد جنبش بی نظیری است که بذر امید به رهایی ازسلطه رژیم استبدادی و تبهکار جمهوری اسلامی را در میان مردم کاشت و ولوله ای در جامعه بر پا کرد که نظیر آن دهها سال بود دیده نشده بود

رژیم با همه سعبانیتی که از خود برای پایان دادن به جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی به کار برد نتوانست آن را به مانند جنبش های پیشین سرکوب و در نیمه راه متوقف کند

از سرگیری اعتراضات مردمی در هفته های اخیر علیه سرکوب و فقر و بی عدالتی و گسترش اعتراضات معیشتی رژیم را بر آن داشته تا با تشدید بگير و ببند و سرکوب و پرونده سازی و اعدام تعداد دیگری از زندانیان و تصویب قوانین ارتجاعی و سرکوبگرانه جدید از گسترش اعتراضات ممانعت به عمل آورد

این تلاشهای جاهلانه و سرکوبگرانه در شرایطی که معیشت و تامین نان به دغدغه بیش از ۷۰ درصد مردم تبدیل شده است و چشم انداز روشنی برای بهبود اوضاع در افق پدیدار نیست، محکوم به شکست است. رژیم با وجود افزایش مالیاتها، چوب حراج زدن به منابع نفتی و معدنی، فروش اموال عمومی، حذف سوبسید کالاهای اساسی، کاهش حقوق و دستمزدها و افزودن بر قیمت کالاهایی که خود وارد می کند و در یک کلام هزینه کردن غارتگرانه دارایی های کشوردر واقع به انزجار و اعتراضات مردمی دامن می زند

نوروز کهن پیام آور نوزایی طبیعت و آمدن سال تازه، جشن تمام باشندگان ایران در شرایطی از راه می رسد، که دهها هزار نفر از مبارزان راه آزادی، برابری و عدالت اجتماعی در بند و زندان به گروگان گرفته شدهاند، صدها نفر از زنان و مردان مبارز کشور در خیابانها، و زندانها به قتل رسیده یا اعدام شدهاند، صدها جوان در عنفوان جوانی به ضرب گلوله بینایی یک یا هر دو چشم خود را از دست دادهاند، هزاران دختر نوجوان و جوان آماج حمله شیمیایی تروریست های حکومتی قرار گرفته اند. هزاران نفر عزادار عزیزان جان باخته خود هستند و حداقل ۲۰ هزار خانواده نگران سرنوشت فرزندان و کسان دلبند زندانی شان هستند. سفره های اکثریت مردم تهی تر از عید های پیشین است و گرانی و تورم بیداد می کند و فقر امان مردم را بریده است با این همه مردم مقدم نوروز کهن را که مظهر ستیز نو با کهنه و روشنی با تاریکی است به امید فرا رسیدن سالی بهتر و خرمتر و رهایی از بند استبداد و بی عدالتی جشن خواهند گرفت. نوروز بر همه ی نوروز باوران خاصه زندانیان سیاسی، خانواده جانباختگان مجروحان و مبارزان و کوشندگان جنبش انقلابی مبارک باد!

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

تضمین اشتغال یا درآمد حداقل؟ بخش هشتم

جرمی سیکینگز



چالش: بیکاری و فقر سلامت در جامعهٔ پساکشاورزی - ادامه

هستند، کم هم نیستند، کسانی که شاغل اند و تهیدست. دستمزد در بخشهای کشاورزی، ساختمان و بخش خانگی به طور کلی پایین است. خانم ک. ۲۸ ساله با دو خواهر کوچکترش و یکی از فرزندان خواهرش در استان شمال غربی زندگی می کرد. خود خانم ک. هنوز در مدرسه بود و خود را برای کنکور آماده می کرد. او فرزندی داشت که در جای دیگری با یکی از اقوام اش زندگی می کرد. دو خواهر او هر دو مدرسه را رها کرده بودند، زیرا، چنان که یکی از آنها تصریح کرد "مدرسه بسیار گران است". یکی از آنها به عنوان نظافتچی در شهرداری کار می کرد. خواهر دیگر بیکار بود و در جستجوی کار هم نبود زیرا هیچ شغلی وجود نداشت. آنها در یک خانه ۲ اتاقه بلوک سیمانی با سقف حاوی پشم شیشه، با یک توالی داخلی و یک شیر آب در حیاط، اما بدون برق زندگی می کردند.

فقر چهره‌های زیادی دارد، اما اینها نمونه‌هایی از آفریقای جنوبی در پایان دوران آپارتاید بود: خانواده‌هایی که اغلب شامل سه نسل اند (پدربزرگ/مادربزرگ، پدر/مادر و بچه‌ها)، و به جای برخورداری از امکانات تأمین دولتی، به ویژه مستمری سالمندی، یا دریافت حواله‌های متناوب از بستگانشان که به جاهای دیگری مهاجرت کرده‌اند، به تعداد بسیار کمی از اعضایشان، که شاغل اند، اتکا دارند. در دوران مورد بحث بیکاری گسترده بود، اما در ارقام رسمی بسیار کمتر منعکس می شد، زیرا تعداد بسیاری از بزرگسالان جوان (از جمله خانم ک. ۲۸ ساله) بسیار طولانی‌تر از آنچه ممکن است در بازار کار کم‌امکانی بیکار بمانند، در مدرسه می‌گذرانند.

از پس از آپارتاید، با شیوع ایدز در آفریقای جنوبی، فقر چهره برجسته دیگری به خود گرفته است. با افزایش نرخ مرگ و میر به ویژه در میان زنان جوان، امید به زندگی به شدت کاهش یافته است. در سال ۲۰۰۱،



تخمین زده می شد که یک نفر از هر پنج نفر شهروند آفریقای جنوبی بین ۱۵ تا ۴۹ سال، به ایدز مبتلاست؛ یعنی حدود پنج میلیون نفر در کل جمعیت. همچنین تخمین زده می شود که یک سوم از یک میلیون بزرگسال و کودک در طول سال ۲۰۰۱ بر اثر ایدز جان خود را از دست دادند. فقر به ابتلای به ایدز "کمک" می کند، در اصل به این دلیل که سوء تغذیه و عفونت مزمن انگلی آسیب پذیری را در برابر ایدز افزایش می دهد. اما ایدز نیز به نوبه خود به فقر "کمک" می کند، زیرا افراد مبتلا قادر به کار نیستند و خانواده ها ناگزیر اند پول و وقت شان را صرف مراقبت از بیماران کنند. ایدز همچنین قانون رابطه بین مسئولیتهای متقابل خانواده، بازار و دولت نسبت به هم را نشانه می گیرد. آژانسهای مانند یونیداس به انگشت گذاشتن بر افزایش سریع تعداد کودکان یتیم مبتلا به ایدز، این نکته را مطرح می (UNAIDS) کنند که "خانواده گسترده و انجمنهای داوطلب هرگز نمی توانند بالتمامه با چنین تعداد بالائی کنار بیایند". از این نظر تقسیم تاریخی بین خانواده و دولت در حال از بین رفتن است، زیرا در چنین شرایطی خانواده دیگر نمی تواند با مطالبات، الزامات و فشارهای جدید کنار بیاید.

اگر سیستم تأمین اجتماعی استثنای آفریقای جنوبی وجود نداشت، فقر در این کشور بسیار عمیقتر می شد. تأمین اجتماعی یک شبکه ایمنی چشمگیر، ولو ناقص را فراهم می کند. سالمندان، معلولان و افراد تحت تکفل آنها دینفعان اصلی این سیستم اند. بنا بر آن است که هر دو گروه [به لحاظ استحقاق و امکانات] مورد آزمایش قرار گیرند، اما به نظر می رسد که اجرای آزمون امکانات صرفاً برای حذف افراد ثروتمند مفید باشد و نتواند مانع از برخورداری متقاضیان با درآمد متوسط گردد. برخورداری از حقوق بازنشستگی به تنهایی باعث می شود بسیاری از خانوارها از فقر شدید - دو دهک پایین - خارج شوند و به فقر خفیف یا حتی به بالای خط فقر برسند. گسترش پوشش کمک هزینه های حمایت از کودکان از اواخر دهه ۱۹۹۰ به بسیاری از خانواده های فقیر کمک کرده است. این سیستم همچنین بسیار کارآمد است؛ هزینه های اداری ناچیزی دارد و بیشتر بودجه مصروف تهیدستان می شود. اما شبکه کمکرسانی ناقص است. نقص وخیم آن این است که تقریباً هیچ پوشش مستقیمی برای بزرگسالان بیکار در سن کار وجود ندارد.

استثنا در این مورد کمک هزینه ازکارافتادگی است، که به افرادی که قادر به کار نیستند، پرداخت می شود. با تشدید اپیدمی ایدز، افراد مبتلا به ایدز به نحو دم افزونی متقاضی کمک هزینه معلولیت می شدند، به طوری که تعداد کمک هزینه های پرداخت شده بابت معلولیت از حدود ۶۰۰ هزار در سال ۲۰۰۰ به بیش از یک میلیون در سال ۲۰۰۳ افزایش یافت. بسیاری از خانواده های فقیر به کمک هزینه معلولیت پرداختی به یک یا تعدادی از اعضای خانواده، که مبتلا به ایدز بوده اند، وابسته اند. این واقعیت تلخ برخی آثار مثبت نیز داشته است. برای مثال غلبه بر احساس ننگ مرتبط با ایدز. اما همچنین برخی تهیدستان را به سمت آن که به عنوان بیمار مبتلا به ایدز طبقه بندی شوند و در نتیجه واجد شرایط دریافت کمک هزینه معلولیت شوند، سوق می دهد. نگران کننده ترین اثر این است که ممکن است مانع از توسل برخی از مبتلایان به برنامه های درمان دارویی ضد رتروویروسی گردد. این برنامه ها سلامت آنها را برای مدتی باز می گردانند و شرایط دریافت کمک هزینه معلولیت را منتفی می کنند. بوده اند خانواده های بیمارانی که بر سر دوراهی انتخاب بین بازیافت سلامت یکی از اعضای خود و از دست دادن منبع اصلی درآمد خانواده از یک سو و از سوی دیگر تداوم بیماری عضو و تأمین مالی خانواده قرار گرفته اند.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!

مرگ بیماران در اثر کمبود پرستار!

صادق



دراکثر بیمارستانها و کلینکهای کشور راه رفع مشکل را در افزایش فشار به پرستاران دیده‌اند. یعنی یک پرستار باید به جای دو نیم پرستار کار کند و معلوم است که چه خطراتی جان و سلامت بیمار و خود پرستار را تهدید می‌کند و چرا پرستاران که ذخیره انسانی کشور هستند و هزینه های زیادی خرج تحصیل و تخصص آنان به مانند صدها هزار تحصیل کرده و متخصص در رشته های مختلف دست به مهاجرت می زنند

میزرا بیگی " رئیس سازمان نظام پرستاری روز گذشته در گزارشی که در خبرگزاری ایلنا منتشر " شد از کمبود پرستار گله و شکایت نمود و برای اولین بار بطور علنی به مرگ عده‌ای از بیماران به علت کمبود پرستار اذعان نموده است

این مسئول دولتی علت عدم استخدام پرستار را کمبود بودجه ذکر کرده است و از مسئولین وزارت بهداشت و درمان به خاطر خلف وعده برای استخدام پرستار انتقاد نموده است



حداقل ۱۷ هزار پرستار آماده بکار و تعدادی دانشجوی رشته پرستاری وجود دارد ولی یا از استخدام آنها به صورت رسمی خوداری شده است و یا حقوقی که به آنها می خواهند بدهند آنقدر کم است که اکثر دانشجویان سال آخر پرستاری رغبتی به آن نشان نمی دهند.

در همین رابطه یکی از دانشجویان ناراضی گفته است در مقابل هفت ساعت کار در بیمارستان که به اندازه کار یک پرستار تمام وقت است ۲ میلیون حقوق می دهند. یعنی کمتر از دستمزد ماهانه یک کارگر حداقل بگیر!

گفتنی است که رفتار دولت با پرستاران بیکار بسیار فریبکارانه بوده است. به شکلی که در هنگام شیوع کرونا که نیاز به پرستار بسیار شدید بوده و دولت چاره‌ای به غیر از استفاده از ۱۷ هزار پرستار بیکار نداشته است، آنها را با دادن وعده استخدام رسمی پس از مدتی کار با قراردادهای ۸۹ روزه به خدمت گرفته و پس از چند بار تجدید قرار داد با فروکش کردن بیماری کرونا از کار اخراج کرده است.

امتناع از استخدام پرستاران آماده به کار در شرایطی انجام گرفته است که بقول رئیس سازمان نظام پرستاری عده‌ای از بیماران بواسطه کمبود پرستار جان شان را از دست داده و یا درست بخوایم بگوییم قربانی سود خواهی مضاعف و نیت استثمارگرانه پول پرستاران حاکم شده‌اند.

ما بیاد داریم که در اوج همه گیری کرونا تعداد زیادی از همین پرستان متعهد و با وجدان جان عزیزشان را در اثر ابتلا به کرونا هنگام پرستاری از بیماران کرونایی از دست دادند. اعتراضات زیادی نیز پس از اخراج از کار توسط پرستاران قراردادی ۸۹ روزه در شهرهای مختلف انجام گرفت که البته با دادن وعده های استخدام که هیچوقت عملی هم نشد انجام گرفت.

حالا اما دوباره که کرونا در حال بازگشت است و اعتراضات پرستاران برای افزایش حقوق و حق کارانه از سر گرفته شده و کمبود پرستار به یک مشکل حاد به ناگهان صحبت از کمبود پرستار و مرگ بیماران بواسطه کمبود پرستار ورد زبان مسئولینی شده‌است. اینها که از مدتها پیش این مسائل را می دانستند چرا خاموش مانده بودند

البته نارضایتی از کمی دستمزد، فشار کاری توانفرسا و محل کار پر خطر و آلوده پرستار رسمی و غیر رسمی نمی شناسد نارضایتی شامل حال همه پرستاران می شود و سبب اصلی نارضایتی در زمینه های ذکر شده خصوصاً حقوق های زیر خط فقر بارها در طول سال جاری پرستاران را به اعتراض خیابانی کشانده است و باعث مهاجرت فزاینده پرستاران به کشورهای که هم حقوق بیشتری می دهند و هم شرایط کاری مناسبتری دارند شده است. برخی آمار ها از مهاجرت تا ۲۰۰۰ پرستار در سال حکایت دارند.

به گفته‌ی شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، وضعیت کمبود پرستار قدیمی و تعادل بین ورودی و "خروجی سالهاست از بین رفته است. سالانه چیزی حدود ۵ - ۶ هزار پرستار بازنشسته می‌شوند که با تعداد پرستارانی که مهاجرت می‌کنند و یا کار را کنار می‌گذارند ۷ - ۸ هزار پرستار می‌شود. این در حالیست که ورودی‌های به صفر رسیده است؛ طی ۷ - ۸ سال گذشته تنها در سال ۹۹ یک "آزمون استخدامی برگزار و ۱۳ هزار پرستار جذب شد و دیگر هیچ



به احتمال زیاد ۱۳ هزار پرستار جذب شده طی ۸ سال کمتر از افزایش تعداد تخت های بیمارستانی و حدود یک پنجم پرستارانی است که در این مدت بازنشسته و یا مهاجرت کرده اند.

این در حالی است که به گفته: "شمس الدین شمس‌ی وزیر بهداشت و درمان : استاندارد تعریف شده برای هر تخت در کشور، ۲.۵ پرستار است در حالی که هم‌اکنون این رقم به یک پرستار "می‌رسد"

یعنی در حال حاضر برای رسیدن به استاندارد قابل قبول باید تعداد پرستاران یک و نیم برابر تعداد . . موجود به خدمت گرفته شوند

دراکثر بیمارستانها و کلینیکهای کشور راه رفع مشکل را در افزایش فشار به پرستاران دیده‌اند. یعنی یک پرستار باید به جای دو نیم پرستار کار کند و معلوم است که چه خطراتی جان و سلامت بیمار و خود پرستار را تهدید می‌کند و چرا پرستاران که ذخیره انسانی کشور هستند و هزینه های زیادی خرج تحصیل و تخصص آنان به مانند صدها هزار تحصیل کرده و متخصص در رشته های مختلف دست به مهاجرت می‌زنند

هم اکنون یک دانشگاه در شهر کوچکی که ما در آن زندگی می‌کنیم هست که پر شده از جوانان تحصیل کرده و متخصص در رشته های مختلف که اکثرا نیز خیلی زود توسط شرکتهای نروژی با حقوق خوب جذب شده‌اند. سرمایه داری نو کیسه و رانتخوار بعد از انقلاب که از طریق همدستی و زد و بند با عوامل رژیم بر موسسات پر سود چنگ انداخته‌اند و به هیچ چیزی غیر از افزودن بر ثروت های بادآورده خود نمی‌اندیشند، فهم و درک فراری دادن نیروی کار متخصص را که بزرگترین سرمایه کشور هستند ندارند. که اگر داشتند این سرمایه هنگفت را مفت و مجانی دو دستی تقدیم دیگران نمی‌کردند

!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می‌کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!



تلاش چند لایه دولت برای کاهش دستمزد ها

صادق



هدف دیگر وزیر کار قرار دادن کارگران و کارکنان دولت در مقابل همدیگر و ایجاد تفرقه در صفوف اعتراضات معیشتی کارگران و کارکنان دولت است تا راحت تر بتوانند اعتراضات مزدی و معیشتی را که به شدت نگران آن هستند سرکوب کنند. حکومت می داند که اعتراضات معیشتی را به آسانی نمی تواند سرکوب و بی جواب بگذارد بهمین جهت سعی دارد هر چه می تواند سطح افزایش دستمزد ها را پایین نگاه دارد که اگر در نیمه راه مثل پائیز امسال مجبور شد حقوق کارکنان دولت را افزایش دهد جای مانور داشته باشد.

وزیر کار دولت مدعی عدالتخواهی، با وجود اینکه ۵ روز بیشتر به پایان سال باقی نمانده حاضر به پذیرش تعیین دستمزد بر مبنای ماده ۴۱ قانون کار نیست و به هر نیرنگی متوسل می شود تا مذاکرات مزدی در شورای عالی کار را به شکست بکشاند و خود به همراه نمایندگان سازمانهای کارفرمایی در مورد دستمزد تصمیم بگیرند.

روز گذشته وزیر دولت رئیسی بعد از بی نتیجه ماندن مذاکرات مزدی افزایش بیش از ۲۰ درصد به دستمزدها را غیر عادلانه خواند و با استناد به افزایش ۲۰ درصد به حقوق کارکنان دولت افزایش ۲۰ درصدی را عادلانه خواند. یعنی درصدی کمتر از نیمی از نرخ رسمی تورم به حقوق کارمندان را عدالت خواند.

او چندی پیش نیز خواستار منطقه‌ای شدن دستمزد در مناطق روستایی و شهرهای کوچکتر به بهانه کم تر بودن هزینه زندگی در آن مناطق شده بود و الگوی وی یک موسسه ظاهرا خیریه بود که بطور سر خود دستمزد کارگران کارخانه‌ای را که داشتند کمتر از حداقل دستمزد تعیین کرده بود و ادعا می کرد که کارگران از کاهش دستمزدهای خود راضی هستند.

اما در میانه این هفته اداره آمار گزارشی در مورد وضعیت عدالت اجتماعی در کشور منتشر کرد که نشان می داد تورم در مناطق روستایی بیشتر از شهرهاست و ادعای وزیر کار و دوستان بازاری او در این مورد صحت ندارد.

این ادعا در حالی مطرح می شد که مردم به دلیل اندک بودن دستمزد در مناطق غیر مرکزی بسوی شهرهای بزرگتر که امکان پیدا کردن کار و دستمزد بیشتر بود روی آورده بودند. در واقع طرح منطقه‌ای کردن دستمزد ترفندی است که در وحله نخست کاهش دستمزد کارگران شاغل در مراکز عمده شرکتهای پتروشیمی و نفتی، معادن، کشت و صنعت ها، شرکتهای ساختمانی و راه سازی را به بهانه در حاشیه بودن هدف قرار داده است و در مراحل بعدی قصد دارند آن را به سراسر کشور تعمیم دهند.



این در حالی است که این مناطق سالهاست از کانون های اصلی اعتراضات کارگری برای افزایش دستمزد و مزایای مزدی بوده است و اگر طرح منطقه ای کردن دستمزد به تصویب برسد کسی زیر بار آن نخواهد رفت.

یکی از موارد اختلاف در شورای عالی کار قرار دادن موضوع منطقه ای کردن دستمزد در دستور کار شورای عالی کار است. همانان که ذکر شد تلاشهای حکومت برای کاهش دستمزدها چند سویه است و هدف آن است اگر یکی به نتیجه نرسید بقیه را یکی پس از دیگری تا حصول به مقصود رو کنند.

حالا وزیر کار و می خواهد زیر نام عدالت با استناد به یک بی عدالتی آشکار حقوق کارگران را نیز به اندازه حقوق کارکنان دولت افزایش دهد.

این در حالی است که کارکنان دولت افزایش ۲۰ درصدی حقوق خود را که کمتر از نیمی از نرخ تورم است جفا و بی عدالتی به خود می دانند و با آن مخالف هستند و از هم اکنون اعتراض شان را شروع کرده اند.

هدف دیگر وزیر کار قرار دادن کارگران و کارکنان دولت در مقابل همدیگر و ایجاد تفرقه در صفوف اعتراضات معیشتی کارگران و کارکنان دولت است تا راحت تر بتوانند اعتراضات مزدی و معیشتی را که به شدت نگران آن هستند سرکوب کنند. حکومت می داند که اعتراضات معیشتی را به آسانی نمی تواند سرکوب و بی جواب بگذارد به همین جهت سعی دارد هر چه می تواند سطح افزایش دستمزدها را پایین نگاه دارد که اگر در نیمه راه مثل پائیز امسال مجبور شد حقوق کارکنان دولت را افزایش دهد جای مانور داشته باشد. در هر صورت در شرایط کنونی پیوند خوردن بیشتر اعتراضات معیشتی با جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و مطالبات دموکراتیک جنبش می تواند نقش مهمی در تسریع و رسیدن کارگران و مزد و حقوق بگیران به دستمزد مناسبتر داشته باشد.

سپیده قلیان در راه بازگشت به خانه توسط لباس شخصی ها دوباره بازداشت شد





سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

♦ حداقل دستمزد باید بالای خط فقر باشد و نه زیر خط مرگ

حاکمیت ضد کارگر، از طریق شورای عالی کار، تیری دیگر را به قصد نابود کردن کارگران در لحظه پایانی سال با تمام قدرت شلیک کرد، تیری که قلب میلیون ها کارگر را هدف قرار گرفته است تا ثابت کنند کارگر در این جامعه سرمایه داری حق زیستن را فقط برای زنده ماندن لازم دارد نه برای زندگی کردن.



بیانیه نوزدی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۲ خورشیدی

سالمان نو شد و غمهایمان کهنه؛ تکرار اینکه «مردگان امسال عاشقترین زندهگان بودند»، ذهنمان را تسکین خواهد داد تا شاید سالی نو و بهاری نو را در ادامه راهی که آغاز کرده ایم تجربه کنیم. ایستاده، جان دادند و داغ [آزادی](#) و شکوه [زندگی](#) به پابرجایی [زن](#) یاد باد آن جاویدنامانی که به احترام نبودنشان در شروع سال جدید همچنان بر آنان که پرچم آزادیخواهی برافراشته اند سرد نشده است. امسال را در حالی به پایان رساندیم که این باور در وجود تک تکمان تقویت شد که دیگر استبداد توان ایستادگی در برابر قدرت بی قدرتان را ندارد و راه باریک آزادی قابل گذرتر از همیشه است. در این سال پرشکوه و شکوه، معلمان ایران نیز مانند همیشه از خیابانها کنار نکشیدند و با پیوند مطالبات صنفی خود با مطالبات اجتماعی، دوشادوش تمام راد مردان و زنان ایران خواهان رقم خوردن تغییرات به نفع مردم ایران بودند.



- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، به نمایندگی از کانونها و انجمنهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن ابراز همدلی با خانوادههای داغدار و آسیب دیدگان خیزش تحولخواهی یادآوری می کند، چون سالهای گذشته علاوه بر همراهی با خواست اجتماعی و همگانی مردم جهت ایجاد تغییرات اساسی در رویکرد حاکمیت موارد زیر را نیز در دستور کار خود قرار می دهد.
- ۱- با توجه به اجرای ناقص و سلیقه ای قانون رتبه بندی، عدم اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان، تورم شدید و خط فقر اعلام شده، همچنان حق اعتراض را برای خود قائل هستیم و کوتاه نخواهیم آمد.
 - ۲- با توجه به برخوردهای غیرقانونی و مخدوش هیاتهای تخلفات اداری و سختگیری هایی هدفمند و مهندسی شده برای حذف و محروم کردن برخی از فعالین صنفی از مزایای رتبه بندی همچنان بر اجرای صحیح قانون و مشمول بودن تمام همکاران و بازنگاری بر این تصمیم تنگ نظرانه تاکید دارد.
 - ۳- زندان، اخراج، انفصال، تبعید و گشودن پرونده های قضایی برای فعالین صنفی معلمان، لحظه ای شک و تردید را در اذهان آگاه معلمان ایجاد نخواهد کرد و مطالبه گری معلمان که بدون شک آغاز همه گیری اعتراضات عمومی و عادی سازی خیابان بوده، همچنان ادامه خواهد داشت. حضور معلمان و دانش آموزان در کنار یکدیگر نویدبخش روزهایی پر از آگاهی خواهد بود. روزهایی که سرود آزادی را هر روز در مدرسه رهایی زمزمه کنیم. به امید روزی که معلم و دانش آموز پرچم صلح و دوستی را بر فراز دستان خود به اهتزاز در آورند و با آرامش خیال یاد بدهند و یاد بگیرند.
 - ۴- به حاکمیت هشدار داده در صورت برآورده نشدن مطالبات حداقلی خود، خیابان همچنان میعادگاه معلمان خواهد بود و خود را برای اردیبهشت ۱۴۰۲ مهیا خواهیم ساخت
- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

اسفند ۱۴۰۱ ۲۹

معلمان دانش آموزان زندانی تنها نیستند



محمد نجفی وکیل با شرف و شجاع شازندی بعد از ۴۹ روز اعتصاب غذا به مرخصی آمد



معادله نا مجهول دستمزدها
ما بارها گفته و تکرار کرده‌ایم که راهکار افزایش واقعی دستمزد گسترش اعتراضات و اعتصابات جمعی و برقراری پیوند میان کارگران و مزد و حقوق بگیران با جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و تلفیق مطالبات صنفی و معیشتی با مطالبات سیاسی جنبش است. تجربه مذاکرات مزدی این واقعیت را بار دیگر به ما نشان داد.

شورای دولتی- کارفرمایی عالی کار سر انجام پس از مدتی موش و گربه بازی های معمول دستمزد حداقل بگیران را ۲۷ درصد، و غیر حداقل بگیران را ۲۱ درصد افزایش داد. این در حالی است که نرخ تورم رسمی بیش از ۶۶ درصد و تورم خوراکی ها ۷۰ درصد و هزینه سبد خانوار ۱۸ میلیون تومان است. در واقع اگر نرخ تورم را ملاک قرار دهیم قدرت خرید حداقل بگیران، ۲۰ درصد و قدرت خرید غیر حداقل بگیران حدود ۲۶ درصد بنام افزایش دستمزد کاهش داده شده. و اگر سبد هزینه خانوار را در نظر بگیریم دستمزد ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی حداقل بگیران کمتر از یک سوم هزینه ها است.

البته نتیجه متفاوت با روال سالهای گذشته و دور از انتظار کارگران نبود. حداقل دو نماینده منتسب دولت در شورای عالی کار نیز به آن رای دادند و علی خدایی ضمن تأیید مصوبه ضد کارگری از آن دفاع کرد و افزود تورم ملاک گفتگو ها قرار نگرفته است. سبد هزینه خانوار هم ملاک نبوده، اما در این صورت چه چیزی ملاک تعیین دستمزد بوده، ظاهراً خدا عالم است و ایشان! او گفته است در این معامله ارزان فروشی نکرده است، اما او فراتر از ارزان فروشی رفته و خود فروشی کرده است. آتش آنقدر شور شده که صدای رئیس اتاق بازرگانی چین و ایران را هم در آورده و گفته است: "رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین: با افزایش ۲۰ درصدی مزد سفره کارگران ۴۰ درصد کوچکتر می‌شود"

باقیه ماجرا را خودتان حدس بزنید

ما بارها گفته و تکرار کرده‌ایم که راهکار افزایش واقعی دستمزد گسترش اعتراضات و اعتصابات جمعی و برقراری پیوند میان کارگران و مزد و حقوق بگیران با جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و تلفیق مطالبات صنفی و معیشتی با مطالبات سیاسی جنبش است. تجربه مذاکرات مزدی این واقعیت را بار دیگر به ما نشان داد.

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>